عنوان مقاله: پوشاک مردم دهبرم

نویسنده : جامعی، پروانه

لباس زنان قشقائی از جمله زنان دهبرم(1) جلوه و زیبائی خاصی دارد. این لباس در میان زنان روستاهای فارس مشترک بوده و ممکن است اختلاف جزئی در سربند و سرانداز آنها وجود داشته باشد ولی درسایر قسمتها یکسان است و در روستاهای مختلف اسم این قسمتها به لهجه محلی تغییر میکند.

دهبرم روستائی است در 9 کیلومتری مغرب فیروزآباد که بر سر راه شوسه فیروزآباد فراشبند ـ کازرون، در جلگه‌ای وسیع در کنار برم قزل واقع شده. مردمش از تیرهای مختلف قشقائی هستند که بتدریج از صدسال پیش در آنجا سکنی گزیده‌اند. زبانشان ترکی ولری فارس است و اکثر مردم بکشاورزی و دامداری اشتغال دارند.

زنان دهبرمی اغلب باریک و میان بالا هستند و لباس محلی بر تن آنها زیباست بخصوص موج دامن‌های پرچینشان بموقع راه رفتن.

زن و دختر لباس محلی میپوشند و فقط از لحاظ آرایش موی سر با هم فرق دارند.

لباس زنان دهبرم از این قسمتها تشکیل میشود:

برک (berk) ـ کلاه کوچکی است از ساتین یا پارچه‌های مشابه آن که بند دارد و زیرگلو بسته میشود. دختران کلاهچه (کلاخچه kolaxce ) بسر میگذارند که فقط نصف سرشان را میگیرد. کاله را خودشان از پارچه‌های اضافی میدوزند و اگر به خیاط بدهند در ازاء دوخت آن فقط 5 ریال مزد پرداخت خواهند کرد. دورتادور این کلاه را اشرفی میدوزند ولی معمولأ در مواقع عادی از کلاه معمولی بدون زینت استفاده میکنند.

لچک یا چارقد ـ رااز تور و نایلون‌های الوان انتخاب میکنند. جلوی آن اریب است و زیر گلوی آن را سنجاق میزنند و دو گوشه‌اش آویزان است. همراه با سنجاق‌ قفلی هر تزئینی که دلشان بخواهد مانند میخک یا سکه و یا مهره‌های رنگی و گاهی کلید آویزان میکنند. اگر از شهر بخرند هرلچک 35 تا 40 ریال برایشان تمام میشود. چارقد را روی کلاه بسر میبندند.

یاقلق (yaqloq) ـ دستمالی است که جنسش معمولأ از کلاغی‌های ابریشمی آذربایجان است ولی از پارچه‌های معملی هم درست میکنند و آن را تازده بصورت نوار پهنی روی چارقد بدورسر می‌بندند و دوسر آن را در پشت سر آویزان میکنند. قیمت هر کلاغی 60 ریال است.

آرخلق یا فرجه (faraje) ـ نیم تنه‌ای است از مخمل وبیشتر برنگهای سبز، آبی و قرمز. آستینش بلند است و گاهی روی دست اریب میشود که تا نوک انگشتان میرسد. قد نیم تنه تا کمرگاه است و تنگ و چسبان. دورتادور یقه را نواردوزی میکنند و نیم‌تنه را روی جومه می‌پوشند.

جومه یا کی‌نگ (kdynag) ـ پیراهن بلند و راسته‌ای است که دوطرفش چاک بلندی دارد و قدش تا یکوجب بالای زانوست. آستین بلند و یقه‌گرد که در جلوی گلو چاک دارد. جنسش اغلب از پارچه‌های چیت یا کدری است و جومه را خیاط میدوزد. دور یقه را نواردوزی یابقول خودشان قیطان‌دوزی میکنند.

تنبان ـ دامن پرچین و بلندی است که تا روی پا میرسد. جنس تنبان از پارچه‌ی چیت و کدری گلدار و الوان است. زنان در مواقع عای سه تا چهار تنبان و در اوقات عروسی و جشن‌ها تا هقت تنبان بر رویهم می‌پوشند. جنس تنبان روئی معمولأ از نایلون‌های الوان و براق است یک تنبان تا بیست متر پارچه میبرد و اغلب خیاط برایشان میدوزد و 5 تومان مزد میگیرد. تنبان‌های زیری از جنس‌های ارزان قیمت متری دو تا سه تومان ولی تنبان روئی جنسش بهتر و قیمت هرمتر آن ده تومان ببالاست.

زنان قشقائی که هنوز بدنبال گله‌ها کوچ میکنند، همراه با حفظ دیگر سنت‌ها با امکانات مالی بیشتر، لباسهای گرانتر و بهتر برتن میکنند و بوقت کوچ هم تا هفت تنبان رویهم می‌پوشند که تا 1500 تومان برایشان تمام میشود ولی زنان قشقائی ساکن روستاها لباسهایشان ساده‌تر و ارزانتر است و بیش از سه‌تنبان بتن نمیکنند مگر در جشن‌ها. لباس قشقائی پارچه زیاد میبرد و بهمین علت گران تمام میشود تا آنجا که یکدست لباس خوب دو هزارتومان خرج برمیدارد.

لباس زنها در فصول مختلف فرق ندارد فقط در زمستان بر روی جومه آرخلق یا ژاکت میپوشند که ژاکت‌ها را از شهر میخرند و برای گرم نگاهداشتن خود چادر نماز که بآن سرانداز میگویند بکمر می‌بندند. جوراب نمی‌پوشند و کفش‌هایشان شهری است.

زنها غیر از لباسی که همیشه میپوشند یکدست لباس کامل برای شرکت در عروسی و جشن‌ها دارند و این لباس همان لباسی است که برای عروسی خودشان دوخته‌اند و زیباتر و بهتر و پرزرق وبرق‌تر از لباس معمولیشان است.

زن‌های پیر و مسن پارچه‌های الوان و رنگی نمی‌پوشند و چارقد و پارچه تنبان و جومه خود را از رنگهای تیره مثل خاکستری و سفید و مشکی و قهوه‌ای تیره انتخاب میکنند. درعوض زنان جوان از پارچه‌های رنگی و گلدار و پرزرق‌وبرق و نایلون لباس میدوزند. پارچه را از فیروزآباد میخرند.

لباس عروس

لباس عروس دهبرمی از این قسمتها تشکیل میشود:

- کلاه سرخ رنگی که دورش را اشرفی دوخته‌اند.

- چارقد تور سفید یا سرخ رنگ.

- دستمال و کلاغی سرخ یا سه‌رنگ مثل پرچم.

- جومه از پارچه معمولی یا زری سفیدرنگ.

- آرخلق از مخمل سرخ.

به عروس شش‌تنبان می‌پوشانند که تنبان روئی سفیدرنگ است. سه تا از تنبان‌ها را داماد میخرد و سه تای دیگر را پدر عروس.

کفش قهوه‌ای یا مشکی رنگ است که از شهر میخرند.

یک دستمال سرخ یا سفید روی سر عروس میاندازند که صورتش را هم می‌پوشاند باین دستمال گرددواخ (doax) میگویند. دعاهائی را که در کیسه‌های سرخ‌رنگی جای داده‌اند با نمک روی دواخ آویزان میکنند و بعد یک چادر نماز سفیدرنگ هم سرش میکنند.

میخک و سکه و اشرفی با سنجاق بزیر گلویش بچارقد می‌آویزند. میل (دستبندطلا) بدست و انگشترهای نقره به ده انگشتش میکنند و بدو بازوی عروس باروبند یا طلسم که بآن جام دعا هم میگویند می‌بندند. این بازوبند عبارتست از یک صفحه چهارگوش کوچک از نقره که رویش دعا نوشته شده و چهاربند چرمی دارد.

آنچه که داماد بخانه عروس میفرستند عبارتست از: سه تنبان ـ سه جومه ـ جوراب ـ کفش ـ لباس زیر ـ دو چارقد ـ آرخلق، همراه با شیرینی و توزلفی (tuzolfi) که معمولأ دو اشرفی است.

معمولأ در جهاز دختر آرخلق و کفش نمیگذارند و میگویند که تنگی معیشت میآورد.

لباس سوگ و عزا ـ زنها در مواقع عزاداری و سوگواری همان لباس معمولی خود را می‌پوشند و چادر مشکی بسر میکنند و سعی دارند که جومه و تنبان خود را از رنگهای تیره انتخاب کنند. دخترها فقط یک چارقد تیره برنگ مشکی یا قهوه‌ای بسر میکنند.

آرایش گیسوان وصورت ـ آرایش گیسوان زنان و دختران دهبرمی با هم فرق میکند. دخترها موی خود را درجلو بدو قسمت کرده فرق باز میکنند و بقیه را در پشت سر بچندین قسمت تقسیم کرده می‌بافند. در موقع عروس شد موهای دوطرف چهره را کوتاه میکنندو باصطلاح خودشان زلف میگذارند. زلفهای روی گونه از زیر چارقد پیداست.

روی پیشاین چترزلف میزنند و بزلفها سنجاق و موگیرهای الوان نصب میکنند و بقیه موها را درپشت سر بچندین رشته می‌بافند که بآنها تو گیسی یاتوپلی (tupali) یا ساچ می‌بندند. توگیسی نخ یا روبانی است که با آن چند رشته موی بافته شده را بهم وصل میکنند و بیشتر تیره‌رنگ است. به گیسوان دختربچه‌ها برای رفع نظر مهره‌های رنگی می‌بندند.

یکی از وجوه تمایز زنان و دختران طرز آرایش گیسوان آنهاست.

زنها برای جلوگیری از ریزش مو، گیسوان خود را با گل سرشور و زرده تخم‌مرغ میشویند و روغن‌های محلی بموی خود میزنند. در مواقع عزاداری تا یک هفته موی خود را نمی‌شویند. زنها هنگام ازدواج هم بابروهایشان دست نمی‌زنند ولی سرمه میکشند. زنهای جوان زیر گلو میخک برای جلب محبت شوهر خود آویزان میکنند.

زینت‌ها و زیورآلات ـ دخترها از زینت‌آلات بدلی و اغلب گوشواره‌های بدلی که بآن ردکل (rudkol) میگویند استفاده میکنند. گوش اغلب دختران سوراخ است. معمولأ از دو تا ده سالگی لاله‌گوش دختران را سوراخ میکنند. دخترها النگو یا میلچه دستی از طلا یا بدل بدست می‌بندند و زنها بزیر گلو اشرفی میآویزند و دور کلاهشان را هم اشرفی میدوزند.

پوشاک مردان ـ سابقأ مردان دهبرمی لباسشان عبارت بود از یک پیراهن و یک شلوار گشاد مشکی از پارچه دبیت که به آن تنبون میگفتند (tommun – tonbun) رویش قبای بلندی که آرخالق میگفتند میپوشیدند. آرخالق برنگهای زرد و سفید بود و دو طرفش چاک داشت و روی آن شال می‌بستند. دورگردن زنهاره میانداختند. زنهاره برای زیبائی بد و عبارت بود از بند ابریشمی بباریکی یک سانتیمتر و طول یک متر که دوسرش دو گلاله بزرگ ابریشمی داشت. زنهاره بحالت آزاد دور گردن انداخته میشد و در وسط شانه‌ها گره میخورد و دنباله‌اش پشت سر آویزان میشد. زمستانها روی ارخالق چغه (coqqe) که عبای پشمی سفیدرنگی بود روی دوش می‌انداختند.

کلاهشان هم کلاه دو گوشی قشقائی نمدی بود. گیوه ملکی هم پای پوششان.

ولی حالا دیگر بآنصورت لباس نمی‌پوشند بلوز و شلوار و کفششان را از شهر میخرند ولی کلاهشان همان کلاه نمدی قشقائی است و طوری روی سر میگذارند که لبه‌اش روی پیشانی قرار میگیرد. بعضی هم کلاه سربازی نقاب‌دار بسر میگذارند.

پیرها باصطلاح خودشان لباس مرهم یعنی لباسهای تیره و سیاه‌رنگ می‌پوشند.

چوپانها در زمستان کردک (kordak) یا کپنک (kapanak) می‌پوشند که پالتو مانندی از نمد است.

### باورهای مربوط به پوشاک و آرایش

دهبرمی‌ها معتقدند که:‌

- اگر کسی خواب ببیندکه لباس سایه پوشیده دلیل فقر و بدبختی است.

- اگر زن آبستن خواب بیندکه دستمال پیدا کرده یا به پیشانی‌اش دستمال بسته و یا مهره پیدا کرده دختر میزاید.

- روز جمعه لباس نمی‌برند چون سنگین است.

- اگر پاشنه‌های کفش جفت شود بد میدانند چون کفش مرده را باید جفت کرد.

- اگر کسی ندانسته لباس وارونه بپوشد بد است و به او میگویند «کسی مرده که اینطور لباس می‌پوشی؟»

- اگر دختر پیراهن را وارونه بپوشد میگویند باو تهمت میزنند.

- اگر دوتا کفش رویهم سوار شود، راه می‌طلبد، یعین صاحب کفش به مسافرت میرود.

- اگر کسی در خواب لباس زرد ببیند مرض و بدی است.

- اگر کسی لباس سفید خواب ببیند مرگ و میر است.

- اگر کسی شانه دیگری را بسرش بزند بد است و سردرد میآورد.

- ایستاده شلوار پوشیدن بد است.

- روزهای شنبه نباید دست به سوزن زد و خیاطی کرد چون بدشگون است و ممکن است کسی بمیرد.

- موقع بریدن لباس نو بعد از بسم‌الله گفتم میگویند: «این لباس را میدوزم، مبارک باشد».

- دهبرمی‌ها برای اینکه بچه‌شان پسر باشد نذر میکنند که تا هفت سال مویش را نزنند و بعد از هفت سال بچه را بشاه چراغ شیراز برده موی سرش را می‌تراشند.\*

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

\* طرحهای این مقاله از روحانیه زمانی محقق فرهنگ عامه است.